جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۱۹ | یکشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۰ | ۱۸ شوال ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۲ |
غروب آفتاب: ۲۰:۱۴ | اذان مغرب: ۲۰:۳۴ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۰ | اذان صبح فردا: ۰۴:۰۷ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۰ |

دیده‌بان | نویدپارسا

عزیزالله نعیمی عکاس پیشکسوت انقلاب درگذشت

«عزیزالله نعیمی» از عکاسان پیشکسوت انقلاب، دفاع مقدس و عکاس بازنشسته صدا و سیما دار فانی را وداع گفت.

«عزیزالله نعیمی» که چندین ماه به علت بیماری در بستر بود از سال ۱۳۵۴ وارد رادیو و تلویزیون شد و عکاسی از انقلاب و دفاع مقدس را در کارنامه حرفه‌ای خود داشت. از دیگر فعالیت‌های حرفه‌ای او، حضور ۴۰ روزه در مکه مکرمه برای عکاسی از زائران و برپایی دو نمایشگاه عکس در فرودگاه مهرآباد است. در اولین دوره اعطای نشان عکس سال مطبوعاتی ایران، از نعیمی به پاس حضور و ثبت لحظات ماندگار از تاریخ معاصر ایران تقدیر به عمل آمد. انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی، درگذشت این عکاس پیشکسوت را به خانواده و همکارانش تسلیت گفته است.

هشدار روسیه به والت دیزنی بابت نشر انیمیشن همجنس‌بازی

نهاد ناظر ارتباطات خارجی روسیه در نامه‌ای به دیزنی متذکر شده که توزیع اطلاعاتی که ارزش‌های خانوادگی را نفی و روابط جنسی غیرسنتی را بین کودکان ترویج می‌کند، برخلاف قوانین روسیه است.

«روسکومنادزور» نهاد ناظر ارتباطات روسیه، روز جمعه با انتشار فیلم کوتاه «Out»(بیرون) که دارای یک شخصیت اصلی همجنس‌باز است، به شرکت والت دیزنی نسبت به توزیع محتوایی که به گفته وی برای کودکان در روسیه مضر است، هشدار داد. فیلم «Out»(بیرون) ساخت استودیو فیلمسازی «والت دیزنی»، پروژه فیلم پویانمایی کوتاهی است که شخصیت اصلی آن یک مرد همجنس‌باز است. بنابر قانونی که در سال ۲۰۱۳ در روسیه به تصویب رسید، انتشار تبلیغ و ترویج روابط جنسی غیرمتعارف در میان جوانان این کشور ممنوع اعلام شد.

بهترین فیلم جشنواره فجر اکران آنلاین می‌شود

فیلم «یدو» که در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بهترین فیلم را گرفت تا چند روز آینده به صورت آنلاین اکران می‌شود.

بر اساس تبلیغ‌های درج شده در پلتفرم‌های اینترنتی، فیلم «یدو» به کارگردانی مهدی جعفری شش روز دیگر اکران آنلاین خواهد شد. «یدو» که در تعطیلات نوروز امسال از تلویزیون پخش شد، سال گذشته در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و برنده شش سیمرغ بلورین در بخش‌های بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمبرداری، بهترین صدابرداری، بهترین صداگذاری و بهترین بازیگر نقش اول زن شد. این فیلم بر اساس داستان «زخم شیر» از صمد طاهری ساخته شده و داستان آن درباره ماه‌های آغازین جنگ تحمیلی و دورانی است که خانواده‌های شهرهای مختلف خوزستان مجبور به ترک خانه‌های خود می‌شوند. ستاره پسیانی نقش اصلی این فیلم را ایفا کرده است.

سعیدی‌راد: ادبیات پایداری فلسطین و یمن را هم در برمی‌گیرد

یک شاعر با بیان اینکه ادبیات پایداری، ادبیاتی ظلم‌ستیز است، گفت: ادبیات پایداری تمام سرزمین‌های دیگر را دربر می‌گیرد و ادبیات مربوط به فلسطین و یمن و هر جای تحت ظلم را شامل می‌شود.

عبدالرحیم سعیدی‌راد از شاعران کشورمان در برنامه «از پارسی تا فارسی» رادیو گفت‌وگو در مورد نقش ادبیات دفاع مقدس در زبان فارسی با بیان اینکه واژه‌های مقاومت، دفاع مقدس و پایداری را مربوط به ادبیات سال‌های بعد از انقلاب می‌دانم، عنوان کرد: شروع ادبیات انقلاب اسلامی به دوران انقلاب مربوط می‌شود و کم‌کم با شروع جنگ تحمیلی به آن ادبیات جنگ گفته شد و پس از چند سال با مفهوم کامل ادبیات دفاع مقدس جایگزین شد. سعیدی‌راد با بیان اینکه پس از جنگ، ادبیات دفاع مقدس به ادبیات مقاومت و سپس ادبیات پایداری تغییر نام داد، گفت: ادبیات پایداری تمام سرزمین‌های دیگر را دربر می‌گیرد و ادبیات مربوط به فلسطین و یمن و هر جایی را که در حال جنگ هستند، شامل می‌شود.

رویداد

حکمت

امام علی(ع):

سپاسگزاری مؤمن در کردارش آشکار می‌شود، [اما] سپاسگزاری منافق از زبانش فراتر نمی‌رود.

عیون الحکم والمواعظ (لیثی)، ص۲۹۱، ح۵۲۰۰ و ۵۲۰۱

چرخش نامزدها از فیلمسازان بزرگ به سمت مستندسازها

عملکرد نامطلوب دولت موسوم به تدبیر و امید، ناامیدی و سرخوردگی بی‌سابقه‌ای در میان سینماگران ایجاد کرده که بعید است تا مدت‌ها هیچ فیلمساز بزرگی ریسک ساخت فیلم انتخاباتی را به جان بخرد

■ **مصطفی شاه‌کرمی**

اگرچه ساخت فیلم‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در چند دوره اخیر فرصتی برای به میدان کشاندن برخی سینماگران و کارگردانان سرشناس و مشهور مهیا کرد اما نتیجه‌ای به جز ناکامی‌های مکرر و متعدد نامزدها در جلب افکار عمومی و نیز آلوده شدن فضای سینما از جانب سینماگران سیاست‌زده در بر نداشت و نتیجه حمایت‌های احساسی سینماگران بر سرنوشت مردم و کشور باعث شد در این دوره سینماگران محتاط‌تر عمل کنند و نامزدها هم سراغ مستندسازان بروند.

ساختن فیلم تبلیغاتی درباره نامزدهای ریاست جمهوری از انتخابات سال ۱۳۷۶ به منظور نمایش و پخش آنها از شبکه‌های مختلف تلویزیون آغاز شد. ساخت اغلب این فیلم‌ها که عمدتاً بر مبنا و به شیوه تکنیک‌های تبلیغاتی یا همان پروپاگاندا تهیه و تولید می‌شدند تا دوره قبل به کارگردانان حرفه‌ای سینمای کشورمان سپرده شده بود تا هم اعتباری برای فیلم و مایه برانگیختن کنجکاوی مردم به تماشای آنها باشد و هم درباره کیفیت کار و اثرگذاری آن اطمینان حاصل شود، به این ترتیب سینماگران با اعلام موضع درباره کاندیداها یا اعلام حمایت از آنها و چه فعالیت در ساخت این مستندها، فعالانه وارد عرصه رقابت های انتخاباتی شدند. این حضور فعال ادامه پیدا کرد و گسترش یافت، به طوری که در انتخابات دهم ریاست جمهوری برای هر یک از چهار نامزد دو مستند نیم‌ساعته ساخته شد که در مدت مقرر و مجاز برای فعالیت‌های تبلیغاتی، در ساعت ثابت و مشخصی از شب، روی آنتن شبکه‌های تلویزیون می‌رفت. از ضروریات اصلی ارتباطات در مبارزه انتخاباتی توجه کامل به روش، سبک و تاکتیک‌هایی است که نامزدها در فیلم‌های تبلیغاتی به کار می‌گیرند. به هر حال تولید فیلم‌های تبلیغاتی از سوی نامزدها در طول برگزاری انتخابات و پخش آن از صدا و سیما به عنوان تأثیرگذارترین رسانه تبلیغی در برانگیختن حس مشارکت هر چه بیشتر مردم نقشی تعیین‌کننده دارد.

■ **آغاز گرم شدن تنور سینمایی انتخابات**

شاید تا دوره پیش فیلم‌های انتخاباتی کاندیداها حتی برای طرفدارانشان هم چندان مهم نبود اما از انتخابات سال ۱۳۸۴ به بعد از چند ماه مانده به برگزاری انتخابات برای آنهایی که حرفه‌ای‌تر به مباحث نگاه می‌کردند، حدس و گمان‌هایی درباره اینکه چه کسی فیلم هر یک از کاندیداها را می‌سازد به میان می‌آید اما واقعیت این است که تا قبل از فرارسیدن ایام تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۰ ساختن فیلم‌های مستند و تبلیغاتی برای نامزدها آن هم توسط فیلمسازان و سینماگران برجسته و سرشناس خیلی محلی از اعتبار نداشت. در سال ۱۳۷۶ اما این روند شکلی جدی به خود گرفته بود. پیش از آن و در سال ۷۲ رسول صدرعاملی، کارگردان نامدار سینمای ایران فیلم رضا زواره‌ای نامزد این دوره از انتخابات را ساخته بود. در سال ۷۶ فیلم تبلیغاتی سیدمحمد خاتمی را به طور مشترک مرحوم سیف‌الله داد، بهروزافخمی و احمد مرادپور ساختند. سیف‌الله داد و بهروز افخمی هر دو جزو فیلمسازان مطرح آن سال‌ها بودند. در این سوی میدان بهزاد بهزادپور، کارگردان فیلم «خداحافظ رفیق» فیلم تبلیغاتی علی‌اکبر ناطق‌نوری را ساخت. در سال ۱۳۸۰ فیلمسازان سینمای ایران به طور جدی‌تری پا به عرصه ساخت فیلم‌های تبلیغاتی در انتخابات گذاشتند. فیلم سیدمحمد خاتمی را احمدرضا درویش ساخت. ضیاءالدین دری و اکبر نبوی فیلم احمد توکلی را ساختند. مجید مجیدی و سیف‌الله داد برای ساخت فیلم علی شمخانی مشاوره دادند. سعید ابوطالب برای حسن غفوری‌فرد فیلم ساخت. سعید جلیلوند برای سیدمنصور رضوی وارد میدان شد. در این سال شهاب‌الدین صدر کار ساخت فیلم خود را به جمال شورجه محول کرد. سیدضیاءالدین دری که با سریال «کیف انگلیسی» به شهرت رسیده بود در حرکتی عجیب فیلم علی فلاحیان را ساخت. همزمان با فرارسیدن ایام انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برای اولین بار بود که بحث ساخت فیلم‌های انتخاباتی نامزدها به صورت جدی‌تری مطرح شد که در این سال شش سینماگر سرشناس و مطرح برای شش کاندیدای ریاست جمهوری آن دوره فیلم انتخاباتی ساختند. در آن زمان رخشان بنی‌اعتماد فیلم تبلیغاتی مصطفی معین را ساخت. کمال تبریزی فیلم انتخاباتی هاشمی‌رفسنجانی و مهدی فخیم‌زاده فیلم انتخاباتی علی لاریجانی را تولید کردند. همچنین رسول ملاقلی‌پور برای محسن رضایی فیلم ساخت و بهروز افخمی فیلم مهدی کروبی را تولید کرد. جواد شمقدری نیز در این دوره برای محمود احمدی‌نژاد فیلم ساخت و محرم زینال‌زاده فیلم محسن مهرعلیزاده را تولید کرد.

■ **انتخابات ۸۸؛ اوج‌گیری فیلم‌های انتخاباتی**

انتخابات سال ۱۳۸۸ نیز شاهد حضور چهره‌های تراز اول سینمای کشورمان در فرآیند انتخابات ریاست جمهوری بود. در این دوره مجید مجیدی و احمدرضا درویش برای میرحسین موسوی فیلم ساختند و علی معلم و بهروز افخمی برای تبلیغ مهدی کروبی به ساخت فیلم روی آوردند. جواد شمقدری بار دیگر فیلمی برای محمود احمدی‌نژاد ساخت و محمدعلی فارسی فیلم تبلیغاتی محسن رضایی را تدارک دید. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ حسین دهباشی به عنوان یک مستندساز فیلم حسن روحانی را ساخت و حسین شمقدری برای سعید جلیلی کار کرد. سیدمحمود رضوی، سرپرست تبلیغات قالیباف بود و بهروز شعیبی فیلم این نامزد را کارگردانی کرد و محمدحسین لطیفی برای علی‌اکبر ولایتی، فیلم ساخت و مجید برزگر برای محمدرضا عارف، وارد گود شد. در این دوره جلال عطارزاده برای محمد غرضی و اسماعیل فلاح‌پور برای محسن رضایی فیلم انتخاباتی ساختند تا به این صورت کارنامه کارگردانان سینمای ایران در پایان سال ۱۳۹۲ در ساخت فیلم‌های انتخاباتی بسته شود. شاید عنوان و اطلاق پرحاشیه‌ترین و جنجالی‌ترین فیلم تبلیغات نامزدهای ریاست جمهوری را بتوان به فیلم تبلیغی حسن روحانی به کارگردانی حسین دهباشی نسبت داد، چه اینکه افشاگری دهباشی در مورد برخی پشت پرده‌ها و واقعیات ساخت آن فیلم همچنان نقل محافل هنری و سیاسی است. حسین مهدویان در سال ۱۳۹۶ پا به میدان ساخت فیلم برای حسن روحانی گذاشت و این دوره را باید اختتامیه‌ای برای ورود سینماگران بزرگ سینمای ایران در عرصه تولید فیلم تبلیغاتی برای نامزدهای ریاست جمهوری دانست چراکه عملکرد نامطلوب دولت موسوم به تدبیر و امید، ناامیدی و سرخوردگی بی‌سابقه‌ای در میان سینماگران ایجاد کرده که تا دهه‌ها بعد بعید است هیچ فیلمساز بزرگی ریسک حضور در این عرصه را به جان بخرد و حتی می‌توان احتمال داد زین پس هیچ فیلمساز بزرگی تن به ساخت فیلم انتخاباتی ندهد.

نما | حسین کشتکار

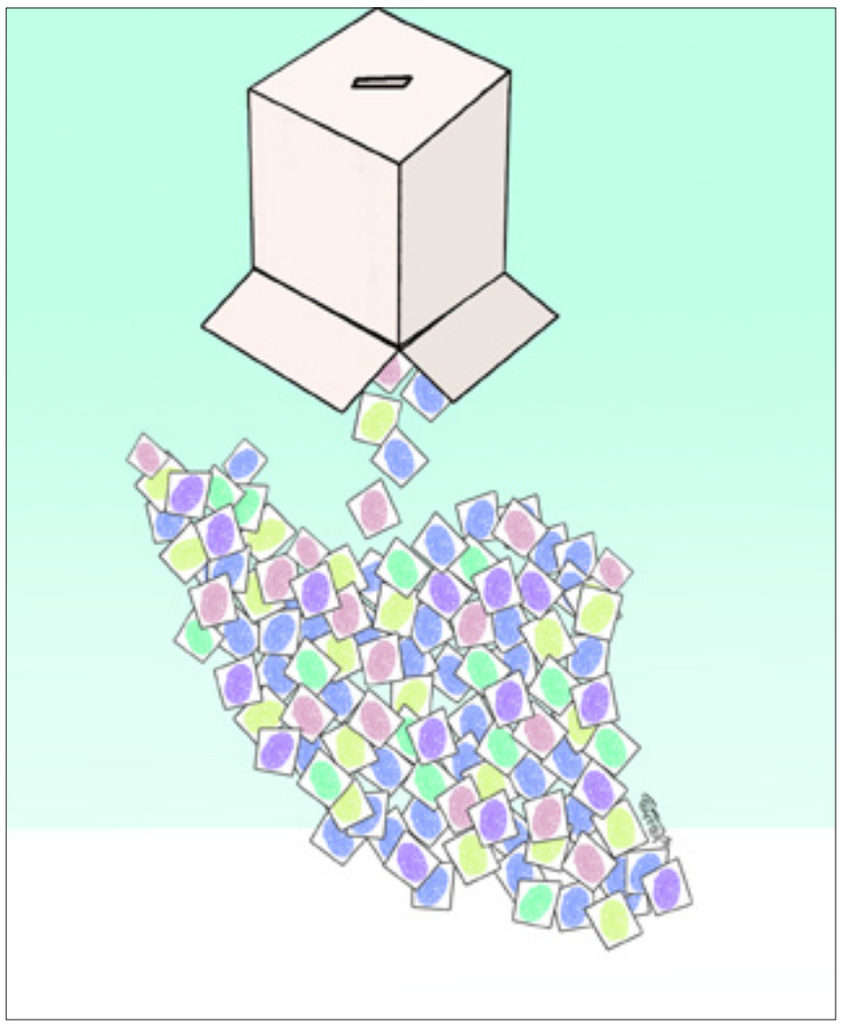

نقد فیلم

پیوند عاطفی و معنوی «خورشید» با یک قصه‌گویی دقیق

■ **افشین علیار**

«خورشید» بازگشت شکوهمند مجید مجیدی به سینمای همیشگی‌اش است؛ سینمایی دغدغه‌مند با پرداخت به دنیای کودکان. مجیدی پس از «آواز گنجشک‌ها» سراغ ساخت «محمد رسول‌الله(ص)» و سپس «آن سوی ابرها» رفت که این دو فیلم نتوانستند موفقیت جدی برای او به همراه داشته باشند.

شناخت مجیدی از جامعه و آسیب هایی که کودکان و نوجوانان با آن روبه‌رو است جنبه مهم سینمای او را تشکیل می‌دهد. تلاش مجیدی در ایجاد سینمای واقع‌گرایانه و قصه‌گو سبب شده مخاطب حتی پس از پایان فیلم از اثر جدا نشود، این نوع پرداخت در سینمای مجیدی همیشگی است، حتی در خورشید هم با فیلمی مواجه هستیم که سمت و سوی آن از اجتماع می‌آید. پرداخت مجیدی در خورشید به کودکان کار و بزه این بار مثل سایر فیلم‌هایش آنچنان روایت واقع‌گرایانه‌ای تصویر کرده است که می‌توانیم همپای شخصیت یا بهتر بگوییم قهرمان آن به جلو برویم. مجیدی در خورشید هم پیوند عاطفی و الهی را با روایت قصه‌اش به تصویر کشیده است. اگر در پایان «رنگ خدا» و «بچه‌های آسمان» نگاه الهی در پایانبندی احساس و دیده می‌شود، در خورشید این نگرش در شکل و شمایل دیگری شکل گرفته است؛ نه اینکه مجیدی به طور خودآگاه قصد داشته خورشید با تلخی و ناکامی به پایان برسد بلکه سعی و تلاش علی به عنوان یک نوجوان کار برای آنچه هاشم به او قول داده است، پرداخت دقیقی داشته باشد.

علی برای پیدا کردن شرایط زندگی بهتر و رهایی مادرش از تیمارستان به زیرزمین آن مدرسه می‌رود و تلاش او برای پیدا کردن گنج همان نقطه امیدواری است که فیلمساز در تمامی آثارش به آن نقطه وفادار است، مهم‌ترین نکته در فیلم خورشید قصه‌گویی است. قصه در چارچوبی استاندارد با ریتمی مناسب جلو می‌رود و خرده‌روایت‌های دست و پاگیر در آن روایت نمی‌شود اما موضوع مادر علی می‌توانست در قالب دیگری شکل بگیرد.

در شرایطی که فیلم تصویر کرده، بیماری مادر چندان برای مخاطب قابل درک نیست. از سوی دیگر فضای مدرسه و کلاس درس می‌توانست کارکرد بیشتری برای علی داشته باشد اما مجیدی سعی داشته علی را در مسیر رسیدن به آرزویش نشان بدهد و مسئله دیگر این است که شخصیت آقای رفیعی به عنوان ناظم مدرسه می‌توانست پرداخت بهتری داشته باشد چراکه در این شرایط او فقط یک تیپ کلیشه‌ای است که کله زدن را از علی یاد می‌گیرد و روی فرد دیگری اجرایش می‌کند و نیمه پایانی فیلم از قصه خارج می‌شود، به غیر از این مواردی که گفته شد، خورشید اثری اجتماعی است که کارگردانش توانسته جامعه‌اش را به شکلی ملودرام و البته مستندگونه روایت کند، البته نقش نیما جاویدی به عنوان فیلمنامه‌نویس در این فیلم بسیار مهم و تأثیرگذار است و به نظر می‌رسد شناخت جاویدی از کاراکتر علی و دوستانش آنقدر درست بوده که مجیدی توانسته آن را تصویر کند.

به هر شکل مجیدی در خورشید توانسته جامعه‌ای از کودکان کار را نشان بدهد؛ کودکانی که در موازات دستفروشی یا کارهای خلاف بسیار باهوش هستند و می‌توانند استعدادهای خود را در کارهای دیگر نمایان کنند اما شرایط زندگی و جامعه باعث شده است این کودکان نتوانند مثل همسن‌های خودشان در کلاس درس حاضر باشند. مجیدی در خورشید نشان می‌دهد که این گونه از بچه‌ها برای تحقق رؤیاهای خود حاضرند دیوار را بکنند و در تونلی تنگ و تاریک مورد سوءاستفاده بزرگ‌ترهایی مثل هاشم قرار بگیرند و در سکانس آخر فریاد علی در آن تونل و گیرافتادن در آب فاضلاب می‌تواند خشم چنین کودکانی از این سوءاستفاده‌ها باشد. بعد از رهایی علی از آن تونل در سکانس آخر و پیوند زدن دو سیم و به صدا درآمدن صدای زنگ مدرسه‌ای که دیگر در آن دانش‌آموزی نیست، همان زنگ خطری است که نشانه‌ای از بی‌توجهی مسئولان به کودکان کار است. مجیدی با شگرد همیشگی‌اش توانسته از روح‌الله زمانی و دوستانش بازی قابل توجهی بگیرد، فیلمبرداری هومن بهمنش از مهم‌ترین نکات اجرایی خورشید است و ساخت این فیلم توسط مجیدی به عنوان یک اثر آسیب‌شناسانه می‌تواند گام رو به جلویی در کارنامه هنری‌اش باشد.

رونمایی

در کارگاه آموزشی جشنواره جهانی فیلم فجر مطرح شد

روایت کیانوش عیاری درباره الهام از «سووشون»

کیانوش عیاری در کارگاه نگاهی به فیلم «آن‌سوی آتش» در جشنواره جهانی فیلم فجر با مرور تجربه ساخت این فیلم از یک راز در ارتباط با ایده گرفتن از قصه «سووشون» سیمین دانشور برای فیلم «تنوره دیو» پرده برداشت.

به گزارش «جوان» طبق گزارش ستاد خبری این رویداد، کیانوش عیاری در کارگاه آموزشی نگاهی به فیلم سینمایی «آن سوی آتش» که از طریق فضای مجازی در اختیار علاقه‌مندان به سینما قرار گرفته است، تجربه‌های خود را از کارگردانی فیلم «آن سوی آتش» مرور کرد. وی عنوان کرد: «سووشون» اثر سیمین دانشور داستان سوگ زری در ارتباط با گم شدن یوسف، ایده «تنوره دیو» را برای من پایه‌گذاری کرد. زنده‌یاد سیمین دانشور در جایی گفته بود، عیاری از من برای این برداشت اجازه نگرفته است اما من برای عظمت و بزرگی ایشان آن زمان اجازه توضیح به خودم ندادم و اکنون برای اولین‌بار می‌گویم که به واقع من از آن اثر اقتباس نکرده بلکه چیزی را در جایی دیده بودم و معتقدم ما باید بزنگاه لازم را از مشاهدات خود بگیریم. شاید روزی روزگاری بتوانم به سؤال شما جواب بدهم که به راستی قصه‌ها چطور شکل می‌گیرند و خودم نیز باید آن را بازشناسی کنم. عیاری در بخش دیگری از این کارگاه درباره نحوه شکل‌گیری ایده و ساخت «آن سوی آتش» در شرایط سخت و ناامن اهواز در سال‌های میانی دهه ۶۰ توضیح داد: این فیلم که نسخه مرمت‌شده آن در سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر نمایش داده شد، در سال ۱۳۶۶ در اهواز ساخته شده و داستان فردی زندانی به نام نوذر را روایت می‌کند که پس از آزادی سراغ برادر خود عبدالحمید می‌رود تا سهم خود را از پولی که شرکت نفت بابت تصاحب خانه آنها پرداخته است، بگیرد.

این هنرمند عنوان کرد: کسی که متولد اهواز است، در آن سال‌ها به یاد دارد، ستاره‌ها به خاطر قرمز بودن سقف آسمان دیده نمی‌شد. در ایده‌هایی که در سال‌های دهه ۶۰ به ذهنم رسید، بوی شیرین نفت باعث ساخت فیلم کوتاهی به نام «آن سوی آتش» شد اما در سال ۱۳۶۵ که در حال ساخت نسخه سینمایی بودیم، دیگر آتشی در اهواز وجود نداشت و همه فلرها خاموش بودند. عیاری افزود: وقتی همراه با گروه برای ساخت فیلم به اهواز رسیدیم، شرایط ناامن بود و بعد از دو، سه ماه و پایان کارمان شرایط امن به منطقه برگشت، بنابراین با بدشانسی روبه‌رو شدیم و یک مهندس به ما گفت اگر صدای آژیر را شنیدید، در هر شرایطی بودید دست‌کم یک کیلومتر از منطقه دور شوید. روز دوم فیلمبرداری ما، صدای این آژیر شنیده شد، باید بگویم که همه عوامل با عشق و علاقه کارشان را دنبال کردند. ما بی‌آنکه یک راش ببینیم، نگاتیوها را به تهران می‌فرستادیم، حتی دو سه پلان نگرفته نیز باقی ماند.

کتاب

رونمایی از کتاب «سلام آقا سید»

اسیری که اسلام ناب را به قلب ارتش بعثی عراق صادر می‌کرد

مرحوم ابوترابی با رفتارهایی که منشأ اسلام ناب محمدی داشت، دل اسرای ایرانی در اردوگاه تکریت که هیچ بلکه دل بعثی‌ها را نیز به دست آورده بود و فرهنگ پاک اسلام محمدی را به قلب ارتش بعثی عراق صادر می‌کرد.

مراسم رونمایی از کتاب «سلام آقا سید» شامل خاطرات آزاده سرافراز، علیرضا محمودی مظفر با ذکر خاطراتی از زنده‌یاد حجت‌الاسلام ابوترابی در حوزه هنری برگزار شد. سیصد و بیست و چهارمین برنامه شب خاطره به زنده‌یاد حجت‌الاسلام سیدعلی‌اکبر ابوترابی‌فرد اختصاص داشت که حین برگزاری این مراسم کتاب «سلام آقا سید» خاطرات علیرضا محمودی‌مظفر، آزاده سرافراز خراسان شمالی رونمایی شد. علیرضا محمودی‌مظفر، رزمنده و آزاده دوران دفاع مقدس که در این محفل حضور داشت از چگونگی حضور خود در جنگ تحمیلی گفت و از شهدایی یاد کرد که هر یک از آنها جانانه در برابر دشمن ایستادگی کردند و در نهایت به آرزوی دیرین خود، شهادت نائل آمدند. وی در سخنانی کوتاه گفت: پنج سال در اسارت بودم. پدر و مادرم در طول این سال‌ها دلتنگی‌های بسیاری داشتند و همسرم بسیار صبوری کرد و سختی کشید. یکی از روزهای جمعه این سال‌های اسارت، در بجنورد اسرای عراقی را برای اقامه نماز جمعه به میان جمعیت آورده بودند. پدرم این را تعریف می‌کرد و می‌گفت: «آن روز خیلی به یاد تو بودم و دلم می‌خواست یکی از این اسرای عراقی را به جای تو حسابی در آغوش بکشم و ببوسم، اما هر چه تلاش کردم محافظان این اجازه را ندادند.»

به قلم معصومه زینعلی

«شهریار سرزمین من» منتشر شد

«شهریار سرزمین من»، زندگینامه شهید مجید شهریاری از شهدای پرافتخار هسته‌ای کشور همزمان با شروع سریال «صبح آخرین روز» منتشر شد.

«شهریار سرزمین من»، زندگینامه شهید مجید شهریاری از شهدای پرافتخار هسته‌ای کشور به قلم معصومه زینعلی، همزمان با شروع سریال «صبح آخرین روز» منتشر شد.

نویسنده «شهریار سرزمین من»، در مقدمه این اثر می‌نویسد: از تابستان سال ۱۳۹۴ به یادداشت‌برداری و مصاحبه‌های جسته و گریخته پرداختم. این مصاحبه‌ها با مادر شهید (خانم قمرتاج زینعلی) و خواهر و برادر و خاله و دایی و نزدیکان سببی ایشان به من کمک کرد بتوانم فصل اول کتاب را بنویسم. در این مرحله بیشتر مصاحبه‌ها با مادر شهید بود. به دلیل تألم بیش از حد ایشان برداشت‌ها به کندی صورت می‌گرفت و مجبور بودم مطالب را بارها بازنگری کنم تا درستی زمان و مکان اتفاقات برایم کاملاً محرز شود. این زمان طولانی بود و بیش از یک سال طول کشید.

زینعلی با اشاره به فعالیت‌ها و تلاش‌های همسر این شهید عزیز ادامه می‌دهد: پس از مصاحبه با دکتر بهجت قاسمی (همسر، همراه و یار وفادار ایشان) که در جریان ترور همراه ایشان بودند و مجروح شدند و فرزندان شهید (آقا محسن و متین خانم) و دیدن فیلم‌ها و شنیدن اظهارات دوستان و همکاران و مطالعه کتاب‌هایی مانند گزارش یک راز توانستم فصل دوم کتاب را تکمیل کنم. فصل سوم به زمان و چگونگی شهادت و فصل آخر دیدگاه و آرای شخصیت‌های مهم دینی و سیاسی در نحوه زندگی و ابعاد شخصیتی شهید بزرگوار اختصاص دارد که از لابه‌لای نوشته‌ها، فیلم‌ها و گفته‌ها اقتباس کردم.

کتاب به شیوه روایت داستانی است و با زندگینامه مادر شهید در فصل اول به دلیل تأثیر عمیقی که بر زندگی ایشان داشتند و نیز همسر شهید در فصل دوم به سبب حضور بسیار سازنده در مراحل حساس زندگی و دوستی ریشه‌دار عاطفی، روحی، روانی و همراهی علمی‌شان آغاز می‌شود. کارهای روزمره، رویدادهای مهم، فعالیت‌های علمی و نیز افکار و رفتار شهید در خانواده و محل کار و با دوستان و آشنایان روایت شده است. نویسنده در فصل سوم به نحوه شهادت و وقایع پس از آن و در فصل پایانی نیز به وصیتنامه شهید و اظهارات مقام معظم رهبری، استادان و علما و دوستان و دانشجویان دکتر و ذکر احوال خانواده و چگونگی رویارویی آنان با شرایط پس از مرگ عزیزشان می‌پردازد.

این کتاب سرگذشت زندگی مردی است که با تکیه بر نبوغ، توانایی و داشته‌های علمی و بومی داخلی توانست توانمندی کشور را در زمینه علوم هسته‌ای به رخ جهانیان بکشاند.